

خبر

راه باریک آزادی فعلا گشوده‌است، معلوم نیست که فردا هم باز باشد

عباس آخوندی، وزیر اسبق دولت روحانی و از چهره‌های برجسته اصلاح‌طلبان، روز گذشته و بعد از اعلام نهایی نتایج چهاردهمین دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری بیانیه‌ای منتشر کرد که در ادامه آمده است:

۱- حدود ۶۰ درصد واجدان حق رای در انتخابات شرکت نکردند. پیام آنان روشن بود. آنان به تبعیض معترض‌اند و نمی‌پذیرند که شهروند درجه ۲ باشند و اقلیتی به‌عنوان شهروند درجه یک اراده‌شان را بر اکثریت جامعه ایران تحمیل کنند. این بخش بزرگ جامعه ایران در نهادهای سیاسی جایی برای خود نمی‌بیند؛ بنابراین این بخش بزرگ‌تر خواهد شد زیرا حتی بخشی از کسانی که رای داده‌اند، با این گروه هم‌نظرند. به هر روی ایشان نتوانستند پیش از دریافت تضامین مدنی لازم در جهت تأمین حقوق سیاسی خود به دعوت بزرگان ملی این کشور پاسخ مثبت دهند.

۲- ۴۰ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت کردند و ترجیح دادند که از سازوکارهای موجود برای بیان خواسته‌ها و مطالبات خود استفاده کنند. بخشی از این جمعیت، از جمله رهبران ملی و مذهبی ایران که ملت را به مشارکت دعوت کردند، پیش‌فراول تغییر شدند تا به هم‌وطنان خود نشان دهند که از راه باریک آزادی که به همت تلاش و استقامت ملت ایران گشوده شده است، باید بهره برد. و این اقدام مؤثر است. اکنون می‌توان باور داشت که در مرحله دوم انتخابات می‌توان کاری کرد و اقلیت را به عقب راند.

۳- براساس قانون مصوب ۱۳۷۸ اعمال شورای نگهبان باید متنی بر دلیل و مدرک باشد و باید به ملت پاسخ‌گو باشد. این شور نمی‌تواند براساس ترجیحات اعضای خود برای یک ملت تصمیم بگیرد.

۴- کام بعدی تمام جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب، تحول‌خواه و ملی باید دفاع از سرزمین و تلاش برای آزادی و توسعه ایران باشد. و این تنها با حضور حداکثری ملت تأمین می‌شود. باید بپذیریم که بخشی از بی‌میلی اکثریت ملت به صندوق‌های رای ناشی از رفتار پرفرازونشیب و غیرمنسجم برخی از جریان‌های اصلاح‌طلبی است؛ بنابراین اصلاح‌حالت باید از جبهه اصلاح‌طلبان آغاز شود. اصالت مواضع اصلاح‌طلبی، پذیرش مسئولیت و صداقت در رفتار باید استراتژی ما باشد. اکنون که ثابت شد می‌توان کاری کرد، باید در مرحله دوم بر هرگونه تردیدی چیره شد و با حضور بر سر صندوق‌های رای، اراده ملی را حاکم کرد. تغییر روند و تغییر جهت در سیاست ملی بسیار سخت است، اما ششما می‌توانید. تردید نکنید که شما می‌توانید. آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت.

۵- و نکته آخر که تجربه ملت‌ها نشان داده است که قاعده، استفاده حداکثری از حقوق سیاسی است. تحریم استئنا است، پس به سهم خود از تمام ملت درخواست می‌کنم که در جهت تأمین حقوق سیاسی خود از مجرای قانون اقدام کنند. هنوز هم برترین راه، صندوق رای است.

تهران سومین استان کم‌بارش

مدیرکل هواشناسی استان تهران گفت مقدار بارش اتفاق‌افتاده در استان تهران تاکنون ۷۰ درصد بارش سال آبی جاری را تأمین کرده است. به گزارش مهر، مدیرکل هواشناسی استان تهران گفت: بر اساس جدیدترین خروسی مدلهای پیش‌بینی فصلی، حتی در بهترین شرایط و خوشبینانه‌ترین حالت، درصورتی‌که بارش‌های استان تهران در حد نرمال باشد، نمی‌تواند کاهش بارش نسبت به بلندمدت را جبران کند و کم‌ماکان مدیریت منابع و مصارف آب در بخش‌های مختلف به‌ویژه بخش‌های کشاورزی، صنعتی و حتی خانگی و به‌طور کلی صرفه‌جویی در مصرف آب با تأکید بیشتر توصیه می‌شود.

مازیار غلامی در بخش دیگری از صحبت‌های خود درباره وضعیت آب‌وهوایی تهران در بهار سال جاری گفت: تجزیه و تحلیل آمارهای رادارفتی از ایستگاه‌های هواشناسی استان مربوط به بهار ۱۴۰۳ بیانگر آن است که در این فصل ۸۶.۷ میلی‌متر باران به صورت پهنه‌ای در استان تهران باریده که نشان‌دهنده آن است که مقدار بارش نزدیک به میانگین بلندمدت (وضعیت نرمال) و تنها ۲.۸ درصد کمتر از متوسط بلندمدت بوده است. مدیرکل هواشناسی استان تهران تأکید کرد: میانگین بلندمدت بارش استان تهران در این فصل ۸۹.۲ میلی‌متر است؛ این در حالی است که متوسط بارش خردادماه استان تهران ۳۴.۶ میلی متر بوده که افزایش خود توجهی نسبت به بلندمدت (۱۰.۶ میلی‌متر) نداشته است. بارش استان تهران به صورت پهنه‌ای از ابتدای سال زراعی (مهر ۱۴۰۲) تا پایان خرداد ۱۴۰۳، ۱۹۷ میلی‌متر بود که نسبت به سال قبل افزایش حدود ۲۵درصدی داشته اما نسبت به بلندمدت ۲۴ درصد کاهش داشته است.

او اضافه کرد: مقدار بارش اتفاق‌افتاده در استان تهران تاکنون ۷۰ درصد بارش سال آبی جاری را تأمین کرده است. استان تهران سومین استان در سطح کشور است که بیشترین کاهش بارش را نسبت به بلندمدت دارد؛ بنابراین افزایش بارش نسبت به سال قبل نمی‌تواند مسئله کاهش بارش انباشته‌شده را جبران کند و کم‌ماکان صرفه‌جویی و مدیریت منابع و مصارف آب توصیه می‌شود. به گفته مدیرکل هواشناسی استان تهران، از نظر توزیع مکانی، تمام شهرستان‌های استان طی خردادماه افزایش بارش نسبت به بلندمدت را تجربه کردند.

یک سوم متقاضیان وام ودیعه گرفتند

طبق اعلام یک مسئول وزارت راه و شهرسازی، از یک میلیون و ۶۶۷ هزار متقاضی واجد شرایط وام ودیعه مسکن، تاکنون حدود ۴۹۹ هزار نفر این تسهیلات را دریافت کرده‌اند. به گزارش ایسنا، پرداخت تسهیلات ودیعه مسکن و تعیین سقف مجاز برای افزایش اجاره‌دها از زمان فراگیری ویروس کرونا در کشور در دستور کار دولت قرار گرفت. در حال حاضر سقف این تسهیلات در تهران ۲۰۰ میلیون تومان، مراکز استان‌ها ۱۵۰ میلیون تومان، سایر شهرها ۱۰۰ میلیون تومان و روستاها ۴۰ میلیون تومان است.

آن‌طور که مدیرکل دفتر پایش طرح‌های مسکن اعلام کرده، تاکنون یک‌میلیون و ۸۸۷هزارو ۵۲۲ نفر متقاضی تسهیلات ودیعه مسکن در سامانه TEM.MRUD.IR ثبت‌نام کردند که از این تعداد یک‌میلیون و۶۷۷هزارو ۵۷۰ نفر حائز شرایط شناخته شده‌اند. به گفته احمد خدایمان، از تعداد افراد حائز شرایط شناخته‌شده نیز یک‌میلیون و ۱۸۸ هزارو ۷۵۸ نفر برای دریافت تسهیلات به بانک‌های عامل معرفی شده‌اند. بانک‌های عامل نیز تاکنون تسهیلات ودیعه مسکن ۴۹۸هزارو ۸۶۴ متقاضی را پرداخت کرده‌اند و روند پرداخت تسهیلات رشد یافته است.

از طرف دیگر، در چهار سال قبل با آغاز بیماری کرونا در سال ۱۳۹۹ به منظور حمایت از مستأجران برای اجاره‌بهایی سقف مجاز تعیین شده است. امسال نیز در آخرین جلسه شورای عالی مسکن در دولت سیزدهم، متوسط سقف اجاره‌دها با رقم ۲۵ درصد به تصویب رسید. بر اساس ماده ۷ قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌به‌ها دولت مکلف شده تا در استان‌هایی که تورم بالای ۳۰ درصد است، نرخ رشد اجاره‌به‌ها را تعیین کند. وزارت راه و شهرسازی اعلام کرده آن دسته از بنگاه‌های املاکی که سقف اجاره‌به‌ها را رعایت نکنند، جریمه می‌شوند.

مهماف سلیمان‌بیگی: راه‌آهن رشت-آستارا چیزی نزدیک به ۲۴ سال است که معطل مانده. پیش از این بارها روسیه وعده تأمین مالی و احداث این راه‌آهن را داده بود. اما در نهایت به بهانه تحریم از این پروژه خارج شد و دوباره توافق‌نامه احداث خط‌آهن رشت-آستارا، به طول ۱۶۴ کیلومتر در اردیبهشت سال ۱۴۰۲ میان ایران و روسیه به امضا رسید، ولی حالا متولیان این پروژه می‌گویند به دلیل پاره‌ای از مشکلات و بوروکراسی اداری دوباره حضور روسیه در این پروژه نامشخص است و هیچ‌کس به‌طور دقیق نمی‌داند خط ریلی رشت-آستارا چه زمانی افتتاح می‌شود. محور ریلی رشت-آستارا با طول ۱۶۴ کیلومتر، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های ریلی کشور است که قرار بود با همکاری روسیه، بخش مهمی از تأمین مالی آن انجام شود.

سرنوشت نامعلوم رشت-آستارا

خبرگزاری اسپوتنیک روسیه گزارش داد ضمیر کابلوف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور روسیه در افغانستان و مدیر اداره دوم آسیایی وزارت امور خارجه روسیه، به این خبرگزاری خبر داده که توافق‌نامه اجرایی همکاری ایران و روسیه به حالت تعلیق درآمده است.
باین‌حال، کمی بعد کاظم جلالی، سفیر ایران در مسکو، در پیامی در شبکه ایکس با تکذیب این موضوع، خبر تعلیق را ناشی از یک ترجمه غیرواقع از اظهارات مقامات روسی خواند.
اخبار ضدتوقیفیض از وضعیت برنامه همکاری ۲۰ساله ایران و روسیه در حالی دست به دست می‌شود که چند روز پیش نیز اعلام شد روسیه قصد دارد برای صادرات زغال‌سنگ به هند از مسیر ایران، از بندرعباس استفاده کند.
این خبر را ایرنا از کانال سفارت ایران در مسکو، مشاور و نماینده ویژه رئیس‌جمهوری روسیه در امور همکاری‌های بین‌المللی در دیدار با کاظم جلالی سفیر کشورمان به حاشیه نخستین نشست وزیران حمل‌ونقل کشورهای عضو گروه بریکس اعلام کرد.

ظاهرا در این مجمع آخرین وضعیت همکاری‌های دو کشور در پروژه ساخت راه‌آهن رشت-آستارا نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است؛ همان پروژه‌ای که سال گذشته خبر رسید روسیه از تأمین مالی آن پاس کشیده است.
در پایان اولین نشست وزرای حمل‌ونقل کشورهای عضو بریکس که ۱۷ خرداد در سنت‌پترزبورگ برگزار شد، کاظم جلالی، سفیر تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران، در گفت‌وگویی با استاروویت، وزیر جدید حمل‌ونقل روسیه، راه‌های توسعه همکاری‌های حمل‌ونقلی و ترانزیت را مورد بررسی قرار داد و در ادامه هم وزیر روس در گفت‌وگوی تلفنی با مهرداد بذریاش، وزیر راه و شهرسازی ایران، درخصوص همکاری در این عرصه به‌ویژه ساخت راه‌آهن رشت-آستارا بحث کرد.
رشت-آستارا همان پروژه‌ای است که سال گذشته در دولت سیزدهم با اشاره به سرمایه‌گذاری روسیه در ساخت راه‌آهن رشت-آستارا» برآن تأکید می‌شد، اما چند ماه بعد خبرهایی رسید حاکی از آنکه این پروژه بدم پیشبرد برخی پروژه‌ها مثل شمال‌جنوب تقصیر ۵۰- تا ۵۰ بین ایران و روسیه

توافق‌نامه احداث خط‌آهن رشت-آستارا، به طول ۱۶۴ کیلومتر در اردیبهشت سال ۱۴۰۲ میان ایران و روسیه به امضا رسید. محور ریلی رشت-آستارا با طول ۱۶۴ کیلومتر، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های ریلی کشور است که قرار بود با همکاری روسیه، بخش مهمی از تأمین مالی آن انجام شود و در این رابطه موافقت‌نامه‌های هم بین وزیر راه و شهرسازی ایران و معاون نخست‌وزیر روسیه به امضا رسیده بود.
حتی خبرگزاری فارس اردیبهشت سال گذشته اعلام کرد در قالب موافقت‌نامه مذکور، روس‌ها تا سقف ۱.۶ میلیارد یورو در ساخت خط آهن رشت-آستارا سرمایه‌گذاری خواهند کرد.
همچنین قرار بود در اول گام موافقت‌نامه تأمین مالی این خط ریلی بین ایران و روسیه به امضا برسد و پس از آن بلافاصله موافقت‌نامه پیمان نیز بین دو طرف امضا شود.
باین‌حال، جزئیات زیادی از این قرارداد منتشر نشد.

چند ماه بعد یعنی آبان ۱۴۰۲ خبر رسید روسیه در این رابطه تعلل کرده است؛ چراکه معاون حمل‌ونقل وزیر راه و شهرسازی اوستارا اهتمام جدی طرف روس برای نهایی‌سازی فاز طراحی و انعقاد قرارداد تجاری تا پیش از پایان سال میلادی شده بود.
همچنین عباس خطنیی، معاون شرکت ساخت، به ایلنا گفته بود «راه‌آهن رشت-آستار در حال اجراست و مطالعات روس‌ها بر روی پروژه راه‌آهن رشت-آستارا عامل توقف این پروژه نشده است. اما سرعت کار مطلوب نیست و اگر مسیر تأمین مالی طی شود، سرعت اجرای پروژه افزایش پیدا می‌کند».
باین‌حال، ماه گذشته وزیر راه و شهرسازی عامل‌کندی پروژه را! بوروکراسی‌های اداری هر دو کشور خواند و گفت: «بوروکراسی‌های هم در داخل ایران و هم در روسیه وجود دارد، اما دو کشور برای اجرای این پروژه کاملا مصمم هستیم و زمین‌های مورد نیاز هم در حال تملک است.»

شرط ترانزیت زغال‌سنگ از خاک ایران

موضوع ترانزیت روسیه از ایران ماجرای جدیدی نیست و ۲۰ سالی می‌شود که مطرح شده،

گزارشی از یک طرح مهم ریلی که ۲۴ سال است بر زمین مانده

گره ناگشودنی راه‌آهن رشت – آستارا

اما درست مثل توافق‌نامه همکاری به ثمر نرسیده است‌که هیچ، هرازگاهی نیز با سیل اخبار ضدتوقیفی مواجه می‌شود. بنابراین باید دید آیا این بار بر حسب شرایط مواضع روسیه تغییر کرده و در ماجرای ترانزیت زغال‌سنگ از خاک ایران جدی است یا خیر؟
پاسخ محمدجواد شاهجویی، کارشناس حمل‌ونقل، به این سؤال مثبت است، اما به یک شرط؛ افزایش قیمت زغال‌سنگ تا حدی که برای روسیه صرفه اقتصادی ایجاد کند. او به «شرق» توضیح می‌دهد: «بیشتر حجم تجارت روسیه یا از طریق راه‌آهن انجام می‌شود یا از طریق بنادر این کشور. عملکرد بنادر روسیه در سال گذشته میلادی چیزی نزدیک به ۸۳۰ میلیارد تن در سال بوده است و امسال هم اعلام کرده‌اند این امکان وجود دارد که بتوانند تا ۲۳۰ میلیارد تن دیگر به این ظرفیت اضافه کنند.
باین‌حال، تمام این بنادر برای صادرات زغال‌سنگ ظرفیت محدودی دارند. زغال‌سنگ به علت مسائل ناشی از گردوخاکی که ایجاد می‌کند و مشکلات محیط‌زیستی که دارد، به بنادر مخصوص دوش‌ن باز دارد و باید در محیط ایزوله جابه‌جا شود. به همین خاطر روسیه الان و با توجه به چالش‌هایی که بر سر مسیری‌های دریایی خودش دارد، به دنبال این است که راه‌های جایگزین ایجاد کند. بندر اصلی زغال‌سنگ‌شان، بندر الکا، چیزی نزدیک به ۳۰ میلیون تن در حال حاضر ظرفیت دارد، اما فقط صادرات زغال‌سنگ

روسیه به چین نزدیک به ۶۰ میلیون تن است. البته صادراتش به چین از طریق دریاست، اما برای رسیدن به هند به مسیر ایران نیاز دارد. پس به نظر هم این امکان وجود دارد و هم روس‌ها تمایل جدی به این کار دارند، اما چالش‌های ما در حوزه حمل‌ونقل تا امروز این اجازه را به ما نداده است، یعنی نگاه من این است که تا امروز هم انگیزه از سوی روس‌های وجود داشته، ولی ما این را انتخاب کردیم که پا به مسیر جابه‌جایی زغال‌سنگ نگذاریم. البته چالش دیگری هم وجود دارد و آن قیمت جهانی زغال‌سنگ است».
به گفته او قیمت فعلی هر تن زغال‌سنگ چیزی نزدیک به ۱۴۰ دلار است. هزینه حمل‌ونقل آن از مسیر ایران، حتی اگر ریلی هم باشد، در حال حاضر با قیمت دوش‌ن تقریبا برابر است و از این‌رو برای روسیه صرفه اقتصادی ندارد. البته از نگاه این کارشناس می‌توان مدل‌های دیگری نیز برای این کار تعریف کرد؛ مثل اینکه مسیر سوآپ زغال‌سنگ داشته باشیم. اما در نهایت بیشتر کلنت این مسئله تحت تأثیر قیمت جهانی زغال‌سنگ است، اگر افزایشی باشد، انگیزه روس‌ها برای صادراتش بیشتر می‌شود، ولی اگر کاهشش باشد، حمل‌ونقل آن عملا از صرفه اقتصادی خارج می‌شود.

نامه‌هنگی‌های ایران با بی‌میلی روسیه؟

شاهجویی تأکید دارد که در مجموع از نگاه او روس‌ها علاقه بالایی دارند کردیورهای ایرانی را راه‌اندازی کنند و بدم پیشبرد برخی پروژه‌ها مثل شمال‌جنوب تقصیر ۵۰- تا ۵۰ بین ایران و روسیه دارد؛ هم از جانب ایران چالش‌هایی وجود دارد و هم از طرف روس‌ها. برای مثال در حال حاضر چالش‌های روس‌ها شامل پایین‌بودن ظرفیت بنادر دریای خزر و لایروبی رودخانه ولگااست. ایران هم درگیر بهره‌وری پایین شبکه ریلی، نداشتن قطار ترانزیتی مناسب، مسائل کم‌رکی و… است.
اگر این مشکلات حل شوند، ما می‌توانیم ترانزیت ۳۰ میلیون تنی و حتی بالاتر را برای کردیور شمال‌جنوب در نظر بگیریم. او همچنین در پاسخ به این پرسش که «اگر روسیه واقعا میل به همکاری با ایران دارد پس چرا سال گذشته تحت تأثیر قیمت جهانی زغال‌سنگ نکرد؟» می‌گوید: «پروژه رشت-آستارا چالش‌های فنی زیرساختی بسیاری دارد و مشکل فقط تأمین مالی نیست. قرار بود تأمین مالی این پروژه با خط اعتباری ۱.۶میلیارد دلاری از سوی روس‌ها اتفاق بیفتد. اما مشکلات فنی زیاد است؛ ازجمله اینکه مشکلات محیط‌زیستی هنوز بابرجاست، ماجرای زمین‌های کشاورزی و مشکلات احداث خود پروژه هم وجود دارد. مهم‌تر از تمام این چالش‌ها هم بحث تملک اراضی است که شروع پروژه را با مشکل مواجه کرده است. اگر این مشکلات حل شود می‌توان به ادامه این پروژه هم امیدوار بود.»

شاهجویی باور دارد اکنون چالش‌ها دوطرفه است و نمی‌توان همه تقصیرها را مربوط به روس‌ها دانست. او ادامه می‌دهد: «همان‌طور که در خط اعتباری پروژه گرمسار… اینچهبرون شاهد بودیم که روس‌ها بسیار مایل بودند سریع‌تر پروژه پیش برود اما ایران مخالف بود و بین نهادهای هماهنگی وجود نداشت. هر دو طرف ایرادات فنی دارند و از نظر من اینکه نمی‌توان روی حرف روس‌ها حساب کرد، برداشت درستی نیست. بحث مدیریت و تصمیم‌گیری واحد در کشور خودمان به‌ویژه در بحث زیرساخت‌ها خیلی مشکل‌ساز است. در حال حاضر این مسئله به قراردادی بسته می‌شود و یک نهاد یکباره از این مخالفت می‌کند و پروژه را زیر سؤال می‌برد، در نهایت هم تلقی می‌شود که روس‌ها با پس کشیده‌اند. باید یک‌صدایی ایجاد شود تا پروژه‌ها سرعت بگیرند.»

«گاپ» در ارس تکرار می‌شود؟

این کارشناس حوزه آب‌خاطر نشان کرد: مهم‌ترین موضوع در حوزه ارس این است که بتوانیم همین سازه‌هایی را که روی ارس احداث کرده‌ایم، به بهره‌برداری کامل برسانیم. اکنون یک نیروگاه صدمکاواتی در خدآقزین، یک نیروگاه صدمکاواتی در قره‌چیلر و یک نیروگاه ۴۰مکاواتی در حوزه ارس داریم؛ یعنی ۲۴۰ مکوات نیروگاه برق‌آبی آماده داریم که به دلیل عدم سرمایه‌گذاری نتوانسته‌ایم از آن استفاده کنیم. ما مخزن خوبی در خدآقزین داریم و نیروگاه قره‌چیلر نیز جرانی است و به خشک‌سالی و کم‌آبی هم ربطی ندارد و نیروگاه قیزقلعه‌سی هم که با بالا تنظیم می‌شود. نتیجه اینکه به نظر می‌رسد اگر بخواهیم در حوزه ارس برنده باشیم باید تأسیساتی را که در محدوده این رودخانه قرار دارد، سریع‌تر به بهره‌برداری برسانیم و این مهم‌ترین اقدامی است که ایران در کنار دیپلماسی فعال در بالادست ارس باید داشته باشد. او درباره الایندگی ارس و راهکار حل این معضل نیز توضیح داد: در این رابطه باید کنوانسیون مشترک شکل گیرد. ارمنستان یک معدن مس در این منطقه دارد و یکی از مهم‌ترین عوامل الایندگی این رود است که در حوزه نیروگاه قره‌چیلر مطرح است. اکنون مقامات مربوطه کشورها ذی‌نفع از حال بررسی و گفت‌وگو موضوع هستند؛ چراکه یکی از نکات مهم بهره‌برداری از ارس حفظ مسائل محیط‌زیستی آن است. اکنون کسانی که در منطقه حوضه ارس حضور دارند، از تولیدات آبی این رودخانه به علت بوی فلزات سنگین استفاده نمی‌کنند؛ بنابراین همکاری مشترک در این طبلد که بتوانیم با هم مسئله را حل کنیم.
زیستی تأکید کرد: هیچ مسئله محیط‌زیستی بدون تعامل حل نخواهد شد. وقتی در مورد رودخانه‌های مرزی قوانین سفت و سختی نداریم، چیزی جز پیمان منطقه‌ای به ما کمک نمی‌کند که با هم فعالیت کنیم، همان‌گونه که در حوضه دانوب فعالیت‌های منطقه‌ای برای مدیریت مشترک حوضه به وجود آمده است. به نظر می‌رسد راهکار و دیپلماسی مناسب، ایجاد سازمانی برای مدیریت مشترک حوضه است که مسائل زیست‌محیطی را هم شامل می‌شود.

یادداشت

اشتباهات

ستاد دکتر پزشکیان

درحالی‌که برعکس، تکیه ستاد پزشکیان عمدتاً بر استراتژی قدیم اصلاح‌طلبان یعنی ترساندن از رقیب، نوید بهبود امور جزئی روزمره و برانگیختن احساسات محدودیت‌های خود را دارد. حامیان پزشکیان توجه نداشتند که این «قشر خاکستری» که بهتر است «اقتشار نوگرای طبقه متوسط شهری» نامیده شود، دارای درجه‌ای از تجربه و آگاهی سیاسی است که دیگر به‌ندرت ممکن است به این‌گونه محرک‌ها پاسخ دهند.

این اقتشار که طی ادوار انتخاباتی از ۷۶ تا ۹۶ موتور محرک مشارکت در انتخابات بودند، به تأثیر تعیین‌کننده نقش خود در فرستادن خاتمی و روحانی به پاستور و فرجام نافرجام آن به زعم آنان واقف‌اند. آنها همچنین شاهد تحولات رنج‌آور هفت سال گذشته نیز بوده‌اند که احساسات آنها را نیز درگیر کرده است.

نظر نگارنده از ابتدای این دوره این بود که این بار چنین اقتشاری را تنها برنامه و مباحث محتوایی می‌تواند به حرکت درآورد. اصلا کافی نبود که ستاد و حامیان آقای پزشکیان بر پاکدست و دروغ‌گوینودن ایشان متمرکز شوند؛ زیرا اگرچه در شرایط کشور ما این ویژگی‌های خصلتی قطعا لازم است، اما در شرایط دشوار کنونی اصلا کافی نیست.

درباره مسائل اساسی مانند فساد، مشکلات اقتصادی، تحریم و… نیز اگرچه اظهارات آقای پزشکیان مفید بود و آرای ایشان نیز نتیجه همان اظهارات است، اما کافی نبود. مطالبی نیز که کسانی مانند دکتر زرنانی و عباس عبیدی و… نوشتند نه‌تنها مبانی خیلی محکمی نداشت، بلکه در حکم دوزدن مسائل اصلی بود. (تنها در آینده می‌توان درباره آن مطالب سخن گفت).

اقتشار طبقه متوسط این‌بار به‌ویژه انتظار داشتند درباره میزان درک و تحلیل‌کانبیدا درمورد ریشه‌های عمیق معضلات موجود بشنوند و مهم‌تر از آن مایل بودند بدانند ایشان چه برنامه و سیاست مشخص و ملموسی برای رفع مشکلات دارد. آنها همچنین انتظار داشتند که آقای پزشکیان نه‌تنها به‌طور مشخص برنامه خود را اعلام کند، بلکه خود را به آن برنامه متعهد کند و مهم‌تر از آن ضمانت‌هایی برای پایبندی به آن ارائه دهد.

این در حالی است که ایشان نه‌تنها در ارتباط با برنامه‌اش چیزی نگفت، بلکه با اعلام اینکه برنامه‌اش همین برنامه‌های کلی موجود است، کاسی نیز در جهت ریزش آرای خود برداشت. ممکن است من و ما فکر کنیم که ۴۵ سال را به آزمون و خطا گذرانیم، حال چهار سال آتی هم روی آن. اما آنها که شرکت نکردند و اتفاقاً تصور می‌کنند تأیید صلاحیت پزشکیان دستاورد عدم شرکت آنها در انتخابات‌های پیشین بوده، ظاهرا چنین نظری ندارند.

امروز ما با شرایط بسیار خطیری مواجه هستیم. اکنون می‌توان شیخ افراطی‌گری بیشتر را به‌وضوح بر فرار کشور دید. در صورت ادامه کلی‌گویی‌ها و سخنان ناصحانه دکتر بزشکیان باید فرض را بر این گذاشت که میزان مشارکت نسبت به دور اول تغییری نخواهد کرد و آقای جلیلی با برخورداری از حمایت آقای قالیباف در شرایط بهتری قرار خواهد گرفت.

ادامه استراتژی ترساندن از رقیب تنها ممکن است بخش محدودی از کسانی را که در دور اول رای ندادند، تشویق به مشارکت کند. اما این عامل نیز ممکن است درآز کم‌رونق محمول همه رای‌گیری‌های دور دوم تا حدی خنثی شود. ضمن اینکه نحوه عمل و تبلیغات برخی نهادهای نیز ممکن است مشکل‌ساز شود.